۲ نوجوان، اطلاعات ۱۰۰۰ حساب بانکی را کپی کردند

دو پسر نوجوان که حساب بیش از هزار نفر از مردم را در سراسر کشور از طریق طراحی سایت و درگاه جعلی بانکی، کپی و برداشت می‌کردند، بازداشت شدند.
سرهنگ مهدی قاسمی، رئیس پلیس فتای استان بوشهر به ایسنا گفت: این دو پسر نوجوان با طراحی درگاه‌های بانکی جعلی و انجام تبلیغات فریبنده فروش کالاها و اجناس به قیمت‌های پایین‌تر از عُرف بازار، کاربران را به این درگاه‌های بانکی، هدایت و مشخصات حساب آنها اعم از رمز دوم همه اعداد و ارقامی که برای سوءاستفاده اینترنتی از این حساب‌ها نیاز داشتند، کپی و در ادامه موجودی این حساب‌ها را به سرقت می‌بردند. دو پسر ۱۶ ساله اقدامات مجرمانه خود را در خانه‌شان و به دور از چشم والدین انجام می‌داده‌اند، در حالی که هیچ‌کدام سابقه کیفری نداشته‌اند.
وی افزود: تحقیقات از متهمان برای شناسایی افرادی که اطلاعات حساب آنها کپی شده است در پلیس فتا ادامه دارد.

پشت صحنه یک جنایت

دختر ۵ ساله، شاهد کشتن پدرش توسط ۲ مرد افغان بود

سناریوی زن خیانتکار برای قتل هولناک شوهر

محمد غمخوار
حوادث

«زن جوان همیشه از کتک‌های همسرش می‌گفت. حتی ادعا می‌کرد، شوهرش او را با مردان تنها می‌گذارد. من هم برای این‌که به او کمک کنم تصمیم به قتل شوهرش گرفتم.» این بخشی از اعترافات اولیه پسر افغان است که جنایتی هولناک را در باغی در محمدشهر کرج مرتکب شد. خلیل و دوستش پس از این‌که مرد ایرانی با توطئه همسرش به باغ آمد، او را کشتند و جسدش را داخل چاهی انداختند. این هفته در «پشت صحنه یک جنایت» با تشریح جزئیات دادگاه متهمان این پرونده پای صحبت‌های خلیل نشستیم و در گفت‌وگو با یک کارشناس انگیزه این جنایت‌ها را بررسی کردیم.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نخستین برگ این پرونده شهریور ۹۳ و پس از ناپدید شدن مردی به نام محمد در اسلامشهر تشکیل شد. برادر محمد با مراجعه به پلیس با طرح شکایتی گفت: برادرم همراه همسر و دختر پنج ساله‌اش در شهرک واوان زندگی می‌کردند. چند روزی است از او خبر ندارم و همسرش هم جواب درستی نمی‌دهد. فکر می‌کنم بلایی سر برادرم آمده است.

پس از این شکایت تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی اسلامشهر آغاز شد و همسر محمد به عنوان نخستین مظنون مقابل افسر تحقیق قرار گرفت و گفت: من و همسرم هیچ مشکلی با هم نداشتیم. او رفیق باز بود و با دوستانش زیاد سفر می‌رفتند. چند روز قبل از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. به تصور این‌که او سفر رفته، شکایتی را مطرح نکردم.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که ماموران متوجه اختلاف محمد و همسرش شدند. با افشای این موضوع تحقیقات روی زن جوان به نام سمیرا متمرکز شد. پس از سه ماه از ناپدید شدن مرد جوان، ردیابی خط تلفن همراه سمیرا ماموران را به یك پسر افغان به نام خلیل رساند. سمیرا و خلیل با هم ارتباط پنهانی داشتند. سمیرا دوباره دستگیر شد و این بار اعتراف کرد با همدستی خلیل و مرد افغان دیگری به نام جمشید شوهرش را کشته‌اند.

متهمان در یك باغ در محمدشهر کرج دستگیر شدند و به این قتل اعتراف کردند. خلیل و جمشید اعتراف کردند که تحت وسوسه‌های سمیرا، شوهر او را با ضربه‌های قمه کشته و هر دو در قتل همدستی داشته‌اند.

پس از تکمیل تحقیقات، پرونده برای محاکمه به شعبه اول دادگاه کیفری یك استان البرز ارسال شد. متهمان روز سه‌شنبه به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی رنجبر پای میز محاکمه قرار گرفتند. ابتدای این جلسه نماینده دادستان با قرائت کیفرخواست گفت: در این پرونده براساس کیفرخواست دادسرای عمومی و انقلاب کرج، خلیل ۲۵ ساله و جمشید ۲۴ ساله متهم به مشارکت در قتل عمدی مرد مسلمان به نام محمد و مخفی کردن جسد مقتول هستند. خلیل همچنین متهم به شرب خمر است.

وی ادامه داد: متهم ردیف سوم به نام سمیرا ۳۴ ساله که همسر مقتول است نیز متهم به معاونت در قتل است. او از طریق فریب شوهرش او را به محل جنایت برده و دو همدستش او را کشته اند. با توجه به درخواست اولیای دم تقاضای اشد مجازات را برای متهمان دارم.

در ادامه جلسه محاکمه برادر مقتول به‌عنوان قیم دختر پنج ساله برادرش تقاضای قصاص کرد. دختر مقتول که اکنون ده ساله است هم گفت: من می‌دانم منظور از قصاص چیست و برای دو متهم مرد، تقاضای قصاص دارم اما از مادرم می‌گذرم و او را می‌بخشم.

در ادامه سه متهم در بخش علنی دادگاه به دفاع از اتهامشان پرداختند و منکر قتل محمد شده و یکدیگر را مقصر ماجرا معرفی کردند.

خلیل با رد اتهامش گفت: اتهام شرب خمر و مخفی کردن جسد را قبول دارم اما جمشید مرتکب قتل شد و محمد را کشت. زمانی که محمد را کشت، سمیرا و دختر پنج ساله‌اش هم نظاره گر قتل بودند و هیچ واکنشی نشان ندادند. جمشید هم بار دیگر این اعترافات گفت: وقتی با قمه بالای سر محمد رفتم، نتوانستم او را بزنم. قمه از دستم افتاد و خلیل با آن چند ضربه به مقتول زد. من فریب خلیل را خوردم. او ادعا کرده بود، محمد مزاحم خواهرش است و قصد تنبیه او را دارد. من وقتی محمد و سمیرا به باغ آمدند تازه متوجه ماجرا شدم. سمیرا هم ادعاهای جدیدی را مطرح کرد و مدعی شد، بعد از دوستی با خلیل او شروع به تهدید می‌کرد.

او از من خواست شوهرم را به باغ بیاورم. من هم برای حفظ جان دخترم، مجبور به همکاری با او شدم.

پس از دفاعیات متهمان، رئیس دادگاه ختم این جلسه را اعلام کرد.

قربانی وسوسه‌های سمیرا شدم

سه متهم؛ دو مرد و یك زن. دو مرد تبعه افغانستان و یک زن ایرانی. هر سه، متهمان پرونده قتل در باغی در محمدشهر کرج هستند. قتلی هولناك که به خاطر رابطه‌ای شیطانی رقم خورد. رابطه‌ای که وسوسه‌های زن جوان آن را رقم زد. و حالا بعد از پنج سال از این جنایت سه متهم به ایستگاه محاکمه رسیدند و روایتی جدید از قتل را تعریف می‌کنند و فراموش کرده‌اند که پیش از این بارها به همدستی در قتل اعتراف کرده و زیر آن را امضا کرده و انگشت زده بودند. خلیل، متهم ردیف اول است که دوستی او با مقتول باعث رقم خوردن این جنایت شد. او وقتی تصادفی شماره سمیرا را گرفت و شروع به صحبت کرد، هرگز فکر نمی‌کرد این آشنایی پایانی خونین داشته باشد.

چند وقت است به ایران آمدی؟

پدر و مادرم متولد افغانستان هستند و سال‌ها قبل به ایران آمدند. من در ایران متولد شدم.

چطور با سمیه آشنا شدی؟

یك روز تلفنی را اشتباه گرفتم و زنی جواب داد. همان تماس باعث آشنایی ما شد.

همدیگر را هم می‌دیدید؟

بله. قهوه‌خانه می‌رفتیم.

می‌دانستی متاهل است؟

بله، همه چیز را به من گفته بود.

چرا شوهرش را کشتی؟

من او را نکشتم. وقتی با محمد درگیر شدم، جمشید با قمه‌ای که همراه داشت چند ضربه به او زد که باعث مرگش شد.

انگیزه‌تان از این‌که او را به باغ کشیدید چه بود؟

سمیرا همیشه از رفتارهای همسرش گلایه می‌کرد و می‌گفت او رفیق باز است و دوستانش را به خانه می‌آورد. هر وقت هم اعتراض می‌کرد، کتکش می‌زند. خرجی خانه را هم نمی‌داد. یك روز سمیرا پیشنهاد داد شوهرش را بکشیم. من هم قبول کردم، ولی قصدم کشتن نبود. فقط می‌خواستم او را بترسانم. سمیرا به دروغ گفته بود، این باغ متعلق به دوستش است و در اینجا قصد ساخت و ساز دارد. به این بهانه و برای بررسی هزینه نقشه‌برداری شوهرش را به باغ آورد. من ابتدا با او درگیر شدم و بعد جمشید او را کشت.

جسد را چه کردی؟

در باغ چاهی بود. جسد را با کمك جمشید در چاه انداختیم. شب بعد دوباره به باغ آمدیم و داخلش خاك ریختیم.

می‌خواستی با سمیرا ازدواج کنی؟

نه. چنین قصدی نداشتیم. بیشتر قصد داشتم به او کمك کنم.

حرف آخر؟

من قربانی وسوسه‌های شیطانی سمیرا شدم و مقصر اصلی او است. قول داده بود اگر قتل را گردن بگیرم، رضایت اولیای دم را جلب می‌کند اما هیچ کاری برای ما نکرد.

مردان، قربانی وسوسه زنان

مریم جنت‌آبادی
حقوقدان

در پرونده‌های شوهرکشی ما شاهد هستیم زنان کمتر خود مرتکب قتل می شوند و بیشتر با کمك مرد دیگری نقشه جنایت را انجام می‌دهند. در این جنایت‌ها شاهدیم، زنان پس از دوستی با مردان غریبه ادعاهایی مانند بدرفتاری شوهر، مشکلات مالی و... را مطرح کرده و پس از مدتی با ادعای این‌که با مرگ شوهر می‌توانند راحت‌تر ارتباط داشته باشند یا ازدواج کنند، شخص ثالث را برای جنایت ترغیب می‌کنند. با ارتکاب این جنایت‌ها دو مرد قربانی ارتباط پنهانی یك زن می‌شوند. شوهرش که قربانی جنایت می‌شود و شخص سوم به اتهام ارتکاب قتل به قصاص محکوم می‌شود. زن هم با اتهام معاونت روبه‌رو شده و به حبس محکوم می‌شود. در این پرونده هم زن با ادعای این‌که شوهرش او را کتك می‌زند، پسر افغان را ترغیب به جنایت می‌کند و متهم اصلی با همدستی دوستش جنایتی تلخ را در مقابل چشمان دختر مقتول انجام می‌دهند. در ماجرای این قتل جدا از بحث درباره انگیزه قتل و مجازات، موضوعی که باید به آن توجه کرد وضعیت روحی دختربچه است، زیرا صحنه قتل پدر و زندانی شدن مادر تاثیر تلخی بر روحیه او گذاشته و اگر درمان نشود در آینده می‌تواند زمینه بروز اتفاقاتی باشد.

زن ایرانی پس از دوستی با پسر افغان با کمک او و دوستش نقشه قتل شوهرش را طراحی و اجرا کرد

۳ ماه پس از قتل همسر دوم

نجفی آزاد شد

محمدعلی نجفی سه ماه پس از قتل همسر دومش با سپردن وثیقه یك میلیاردی از زندان آزاد شد. وقتی کیفرخواست پرونده در کمتر از هفت روز صادر شد، رکودی در صدور کیفرخواست زده شد، اما این رکوردزنی در رسیدگی سریع و جلب بخشش هم ادامه پیدا کرد و حالا سه ماه بعد از قتل با آزادی‌اش رکورد دیگری زد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران، هفتم خرداد امسال با قتل همسر دومش در برجی در سعادت‌آباد خبرساز شد. او پس از کشتن میترا استاد به قم رفت و ده ساعت بعد از جنایت خود را تسلیم پلیس کرد. نجفی در تحقیقات اعتراف کرد به خاطر اختلافات خانوادگی با همسر دومش قصد داشته او را با سلاح بترساند که پنج گلوله شلیك شد و یکی از گلوله‌ها به قلب میترا اصابت کرد.

در ادامه، شهردار اسبق تهران در شعبه نهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد و با وجود تاکید متهم و وکیلش بر قتل شبه‌عمد، قضات دادگاه او را به قصاص محکوم کردند.

۲۳ مرداد، نجفی از سوی اولیای دم بخشیده و دیروز با سپردن وثیقه، پس از سه ماه آزاد شد.

حمیدرضا گودرزی، وکیل نجفی دیروز پس از آزادی موکلش در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: بازداشت موقت برای جرم دارای مجازات قصاص است و وقتی اولیای دم رضایت بدهند، قصاص منتفی می‌شود. در اینجا می‌توان قرار را تبدیل کرد و این رویه برای هر محکومی می‌تواند رخ دهد.

وی افزود: پس از بخشش اولیای‌دم با توجه به وضعیت روحی و جسمی آقای نجفی، درخواست تبدیل قرار را به دادگاه ارائه کردیم که با مساعدت دادگاه، قرار بازداشت به قرار وثیقه یك میلیاردی تبدیل شد. با سپردن سندملکی، ظهر چهارشنبه موکلم از زندان اوین آزاد شد.

گودرزی درباره آخرین وضعیت پرونده هم گفت: ما به رای اعتراض کردیم و پرونده به احتمال زیاد هفته آینده به دیوان‌عالی کشور ارسال می‌شود. ما اعتقاد داریم قتل شبه‌عمد بوده و امیدواریم دیوان‌عالی کشور دلایل را قبول کند.

مرد جنایتکار تاپای چوبه دار از قتل اظهار ندامت نکرد

قاتل امام جمعه کازرون اعدام شد

قاتل امام جمعه سحرگاه چهارشنبه در مقابل هتل بیشاپور شهر کازرون در مقابل دیدگان مردم به پای چوبه دار رفت و اعدام شد.

به گزارش جام‌جم، در این پرونده حمید به اتهام قتل امام جمعه کازرون بازداشت شده و در زندان به سر می‌برد که سرانجام با گذشت ۹۱ روز از جنایتی که مرتکب شده بود روز چهارشنبه ششم شهریور از زندان به مقابل هتل بیشاپور شهر کازرون منتقل و در مقابل دیدگان مردم به دار مجازات آویخته شد. این حکم در حالی اجرا شد که بنا به گفته خانواده حجت‌الاسلام خرسند به مرد اعدامی فرصت داده شده بود تا از اقدام خود ابراز پشیمانی کند، اما اصرار وی به این اقدام جنایتکارانه منجر شد تا حکم اعدام به مرحله اجرا درآید.

برادر امام جمعه فقید کازرون به فارس گفت: شب قبل از اجرای حکم قصاص قاتل برادرم با خانواده‌ام در تماس تلفنی بودم و خواستار این شدم که اگر قاتل اظهار ندامت کرد مراسم اعدام را به تعویق بیندازیم، اما وی در مقابل خانواده‌اش، دادستان و برخی مسؤولان خود را نماینده امام زمان(عج) نامید و ذره‌ای از عملکرد خود اظهار ندامت نکرد.

حجت‌الاسلام محمد خرسند امام جمعه کازرون ساعت ۳/۵ بامداد هشتم خرداد امسال هنگام بازگشت از مراسم احیا، مقابل خانه‌اش توسط مردی به نام حمید با ضربه‌های چاقو به قتل رسید. بعد از آن با شناسایی متهم، او بازداشت و روانه زندان شد.

قاتل در حالی که ذره‌ای از عملکرد خود اظهار ندامت نمی کرد به دار مجازات آویخته شد

قتل مرد موتورسوار به‌خاطر شوخی بچگانه

شوخی دو پسر برای قاپیدن کلاه کاسکت موتورسواری، جنایتی تلخ را رقم زد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت یك بامداد چهارم شهریور امسال قتل مرد ۳۰ ساله‌ای به رحیم دشتبان، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. در ادامه تیم جنایی راهی محل قتل شده که مردی در جریان تحقیقات به ماموران گفت: دو پسر ۱۷ ساله که یکی از آنها هم‌محلی‌مان بود، مقتول را در خیابان تعقیب کرده و با سرقت کلاه کاسکتش فرار کردند که در پی این حادثه، مالباخته را به قتل رساندند.

با به‌دست آمدن هویت پسر ۱۷ ساله، او هنگام تردد در خیابان ۱۷ شهریور تهران شناسایی و بازداشت شد. پسر نوجوان به نام سیاوش در بازجویی اولیه اظهار کرد؛ دوستش امیر عامل جنایت است که امیر در جریان تعقیب و گریز با شلیك سه گلوله دستگیر شد.

امیر با اعتراف به جنایت گفت: من و سیاوش سوار موتورمان در حال حرکت در نزدیکی‌های خیابان شوش‌شرقی بودیم. مقتول نیز موتورسوار بوده و کلاه کاسکتی بر سر داشت و از کنارمان عبور کرد. شیطنتمان گل کرد و با نزدیك شدن به وی، کلاه کاسکتش را سرقت کردیم. او تعقیبمان کرد و وقتی توقف کردیم شروع به فحاشی کرد. عصبانی شدم و با چاقویی که همراه داشتم به او ضربه‌ای زدم که باعث مرگش شد.

پرونده متهمان با توجه به زیر ۱۸ سال بودن با نبود صلاحیت رسیدگی در دادسرای جنایی تهران به دادسرای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوان ارسال شد.

تلنگر

قتل مرد همسایه هنگام سرقت

با شکسته شدن حکم قصاص مرد جوان که متهم است نیمه شب همسایه‌اش را قربانی سرقت کرده، وی بار دیگر از خود دفاع می‌کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه شب ۳۱ فروردین ۹۵ فریادهای کمك‌خواهی یك زن در یکی از محله‌های شریف‌آباد ورامین پیچید و همسایه‌ها که هراسان از خانه‌شان بیرون دویده بودند با زن جوانی روبه‌رو شدند که می‌گفت شوهرش، شبانه از سوی یك مرد غریبه کشته شده است. پلیس بلافاصله در جریان قرار گرفت و جسد یوسف که با ضربه چاقو به شکمش از پا درآمده بود.

زن جوان به ماموران گفت: نیمه شب با سر و صداهای شوهرم بیدار شدم و دیدم او با یك مرد غریبه گلاویز است. من از ترس بچه‌ام را در آغوش گرفتم و فریاد کشیدم. مرد غریبه می‌خواست فرار کند که شوهرم سد راهش شد و مرد غریبه با چاقو به شکم شوهرم زد. گرچه مرد غریبه صورتش را با پارچه پوشانده بود، ولی من او را از صدایش شناختم و گمان می‌کنم همسایه‌مان به نام احمد بود.

با اطلاعاتی که زن جوان به پلیس داد احمد ۲۶ ساله یك ساعت بعد از جنایت شبانه ردیابی و بازداشت شد. او به جنایت با انگیزه سرقت اعتراف کرد و گفت: من و یوسف از سال‌ها قبل همسایه دیوار به دیوار بودیم. من از وضعیت زندگی او مطلع بودم و می‌دانستم در خانه‌اش پول و طلا نگهداری می‌کند. چون وضع مالی بدی داشتم به فکر سرقت افتادم. به همین خاطر صورتم را با پارچه پوشاندم و نیمه‌شب به خانه او رفتم. با خودم چاقو برداشتم و از دیوار وارد خانه یوسف شدم. در حال نزدیك شدن به کمد طلاها بودم که یوسف بیدار شد و با هم گلاویز شدیم. می‌خواستم فرار کنم، اما او سد راهم شد. برای این‌که او را بترسانم به رویش چاقو کشیدم تا رهایم کند، اما به سمتم حمله کرد و من به ناچار با چاقو به شکم او زدم و فرار کردم.

با اعتراف‌های احمد وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده و با حضور یك مستشار پای میز محاکمه ایستاد و نماینده دادستان، با توجه به صغیر بودن فرزند قربانی از سوی رئیس قوه قضاییه برای وی حکم قصاص خواست.

سپس احمد در جایگاه ویژه ایستاد و ادعای تازه‌ای را مطرح کرد. وی خودش را بی‌گناه خواند و گفت: من نمی‌دانم چه کسی یوسف را کشته است و تحت فشار به قتل اعتراف کرده بودم. ولی حالا می‌گویم بی‌گناهم و نمی‌دانم چرا همسر یوسف مرا به عنوان قاتل همسرش معرفی کرده است.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و وی را به قصاص محکوم کردند. با اعتراض احمد به حکم صادره پرونده در شعبه ۳۹ دیوان‌عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات دیوان‌عالی کشور حکم صادره را شکستند تا احمد بار دیگر از خود دفاع کند.

آزار کودك ۱/۵ ساله در دماوند

دادستان عمومی و انقلاب دماوند از کودك‌آزاری کودك ۱/۵ ساله از سوی پدر و نامادری‌اش خبر داد.

حسن ابراهیمی بسابی به مهر گفت: این کودك ۱/۵ ساله از سوی نامادری و پدر خود مورد کودك‌آزاری قرار گرفته بود. با وقوع این حادثه در یکی از محله‌های شهر دماوند، پرونده‌ای در این باره در دادسرا تشکیل شد و با هماهنگی قضایی پدر و نامادری کودك بازداشت شدند.

این در حالی بود که در بررسی وضعیت کودك آسیب‌دیده آثار شکستگی استخوان و گازگرفتگی به وسیله دندان همراه با زخم‌های عمیق بر پیکر این کودك دیده می‌شد و کودك‌آزاری مشهود بود. این کودك آسیب‌دیده با دستور قضایی تحت نظارت بهزیستی دماوند در بیمارستان بستری شد.

۵ کشته در تصادف مرگبار ایذه

تصادف خودروی تیبا با تریلی پارك شده در کنار خیابانی در ایذه پنج کشته و یك مصدوم برجای گذاشت.

افشین یوسفی، مسؤول روابط عمومی شبکه بهداشت ایذه به ایرنا گفت: ساعت ۳ بامداد چهارشنبه ششم شهریور امسال، خودروی سواری تیبا در نزدیکی میدان آزادگان ایذه با تریلی پارك شده در کنار خیابان تصادف کرد. پنج نفر که سرنشینان تیبا بودند به دلیل شدت صدمات وارده فوت شدند و یك نفر هم مصدوم که در بیمارستان شهدای ایذه بستری شد.